

معرفی منظر اسلامی و شیعی صائب تبریزی در بازنمایی مفهوم شهادت

فریده داودی مقدم^۱، مهدی امامی^۲

چکیده

با گستردگی و رسمیت مذهب تشیع در ایران، جهان‌بینی این مذهب نفوذ کم‌نظیری را در باورها، منش‌ها و کنش‌های نمایان ساخت و با تعریف غالب توجهی برای بسیاری از ارزش‌ها عرضه کرد. شهادت و مفاهیم برخاسته از آن، پیوسته مرکز توجه بسیاری از شاعران در طول تاریخ ادب فارسی بوده است و کشته شدن در راه ارزش‌ها، خواه این ارزش، دفاع از دین و تمامیت ارضی ایران باشد و خواه عشق و پاک‌باختگی در برابر معشوق، از نگاه شاعرانی که به این مفاهیم پرداخته‌اند از جایگاهی والا برخوردار بوده؛ اما باورهای شیعی برخاسته از روایات، احادیث، زیارت‌نامه‌ها و ادعیه‌های نیز مفاهیم نظاممندی را در این حوزه عرضه کرده است. در این میان، صائب تبریزی که در جامعه‌ای شیعی زاده شده و زیسته، نگرشی شیعی را در مفاهیم جاری در آثارش گسترش داده که مفهوم شهادت نیز از این قاعده مستثنان نبوده است. جایگاه شهید و شهادت در منابع شیعی و اشعار صائب تبریزی دارای وجود اشتراک قابل تأملی است که این مقاله در راستای واکاوی و تبیین این قربات‌ها و مقوله‌بندی آن‌ها گام برداشته است. نتیجهٔ پژوهش نشان می‌دهد مفاهیم برخاسته از روایات، احادیث و زیارت‌نامه‌ها در منابع شیعی تأثیری انکارناپذیر در ترسیم چهره شهید در اشعار صائب تبریزی داشته است؛ اشتراکاتی که گاه، نه تنها در حوزهٔ معنا و مفهوم بلکه در استخدام واژگان نیز آشکار است.

واژه‌های کلیدی: شهادت، صائب تبریزی، باورهای اسلامی و شیعی.

۱. دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه شاهد تهران، emamimahdi313@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد emamimahdi313@yahoo.com

۱. مقدمه

«شهید» و «شهادت» و مفاهیم مرتبط با این واژگان از جایگاه ویژه‌ای در باورهای دینی، فرهنگی، ملی و البته ادبی برخوردار است. ترسیم جایگاهی رفیع و مورد توجه و احترام برای مقوله شهادت و شخص شهید از دیرباز در آثار گوناگون یافت می‌شود. فارغ از معانی لغوی در موضوع شهید و شهادت، پیوندهای گوناگون جوامع مختلف و آحاد متمازی هر جامعه با آن‌ها، می‌تواند گستردگی دوچندانی را در مطالعه این مفاهیم به ارمغان آورد.

شهادت در مذهب تشیع جایگاهی ویژه دارد و در مأثورات بسیاری از اهل‌بیت^(۴)، نکات غالب توجهی برای آن بیان شده است. صائب تبریزی شاعری شیعه و مقید به اصول تشیع است و این باور در بسیاری از اشعار او متجلی شده است. شهادت نیز از جمله مفاهیمی بوده که در مواردی با تأثیر از باورهای شیعی در اشعار صائب نمود یافته است.

بررسی اثرگذاری مفاهیم نهفته در منابع شیعی، در اشعار شاعری نظیر صائب تبریزی در حوزه شهادت و مقوله‌بندی محورهای تأثیرپذیری او، اهمیت و لزوم انجام این پژوهش را نمایان می‌سازد. هدف از این پژوهش، بررسی منظر شیعی صائب تبریزی در بازیابی مفاهیم شهید و شهادت است.

۱-۱. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، نگارنده به روش توصیفی تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری، باورهای شیعی پیرامون شهید و شهادت را از احادیث، روایات، ادعیه و زیارت‌نامه‌ها استخراج کرده و مبنی بر جامعه آماری از اشعار اشعار صائب تبریزی، با محوریت شهید و شهادت، بررسی کرده است. به منظور دسته‌بندی این اشعار، ویژگی‌های نقل شده برای شهید و وجود اشتراک آن با اشعار صائب تبریزی در همین مفهوم، موضوع تحلیل قرار گرفت. روش این پژوهش، کیفی و ازنوع تحلیل مضمونی است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در مقاله‌ای با عنوان «شهید و شهادت از منظر قرآن» نویسنده‌اند تا به پاره‌ای از مباحث مربوط به شهادت و شهدا در پرتو آیات و از منظر قرآن اشاره گردد و جایگاه واقعی شهید و شهادت از این منظر موضوع بحث قرار گیرد (طاوسی و عین‌الکمالی، ۱۳۹۵). جعفری در مقاله‌ای با عنوان «مقام شهید و آثار شهادت از منظر قرآن و روایات» به بیان آثار دنیوی و اخروی شهادت براساس آیات و روایات پرداخته است (جعفری، ۱۳۹۰). در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم شهادت از دیدگاه امام علی^(۴) در نهج البلاغه» نویسنده کوشیده به روش توصیفی تحلیلی ابتداء معنا و مفهوم شهید و شهادت را بیان کند و سپس به بررسی واژه شهادت در کلام بلیغ امیرالمؤمنین علی^(۴) پردازد (موسوی شجری، ۱۳۹۰). در موضوع جایگاه شهید در اشعار صائب تبریزی یا دیگر شاعران کلاسیک، سابقه پژوهشی یافت نشد. با توجه به محدودیت اشعار موضوع بررسی که به اشعار صائب تبریزی اختصاص دارد و البته موضوع اصلی پژوهش که درون مایه‌هایی نظیر باورهای شیعی را دارد، سابقه مرتبطی در پژوهش‌های خارج کشور وجود ندارد.

۲. بحث اصلی

دربارهٔ جهاد و شهادت گفته شده:

«جهاد و شهادت برای ما ایرانیان، قدمتی طولانی دارد که به دو پهنهٔ تاریخی قبل و بعد از اسلام بازمی‌گردد. وجوده ماقبل اسلام آن در قالب رزم‌های باستانی و هماوردی پهلوانان و جان‌فشنی‌های سرزمینی خودنمایی کرده است. در این دوران جانبازی و فرهمندی پیوندی ناگسستنی داشته‌اند. داستان جهاد و شهادت در ایران پس از اسلام بسیار فراگیرتر بوده و با ارزش‌هایی پیوند داشته است که بر محور حق طلبی و

ظلم‌ستیزی معنا می‌یافته‌اند. عوامل زمینه‌ای و مشترک این فرهنگ تأکید بر عدالت، حقیقت، معنویت و آزادی و قیام برای تحقیق آن‌ها بوده است» (بهرانی، ۱۳۹۵: ۷).

واژگان شهید و شهادت و مفاهیم برخاسته از آن‌ها، همواره در ادوار و انواع ادبیات مرکز عنایت و توجه خاص بوده است. واژه شهید امروزه اغلب در معنای خاص کشته شده در راه خدا و به طور ویژه، کشته شدگان راه پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، محور مقاومت اسلامی و پاسداری از ارزش‌ها و باورهای دینی و ملی نظیر دفاع از حرم اهل بیت^(۴)، در عرصه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، علمی و اعتقادی و به طور کل جریانات مرتبط با اسلام، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به کار می‌رود؛ اما دامنه معنایی و مفهومی آن حتی در ادبیات، به ویژه ادبیات کلاسیک ایران، فراتر و گسترده‌تر از این است؛

«شهادت در فرهنگ ما، در مذهب ما، یک حادثه خونین و ناگوار نیست. در مذاهب و تاریخ‌های اقوام، شهادت، عبارت است از قربانی شدن قهرمانان که در جنگ‌ها به دست دشمن کشته شده‌اند و این، یک حادثه غم‌انگیز و مصیبت‌باری است و نام این کشته شدگان شهید و مرگشان شهادت؛ اما در فرهنگ ما شهادت مرگی نیست که دشمن بر مجاهد تحمیل کند. شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد، با همه آگاهی و همه منطق و شعور و بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب می‌کند» (شريعتی، ۱۳۵۰: ۶۴).

مفهوم شهید و شهادت هماره در نظر صاحبان معارف و بزرگان مکاتب، مکرم و معظم برشمرده شده است. ادبیات و گونه‌آشنای آن یعنی شعر نیز از این قاعده مستثنان نبوده‌اند و این واژگان با معانی و مفاهیم عرفانی، عاشقانه، عرفی و دینی‌شان پیوسته در آثار شاعران نمود پیدا کرده‌اند. صائب تبریزی از جمله شاعرانی است که در بسیاری از اشعارش از این مفاهیم بهره‌مند شده و در مواردی، باورهای شیعی درباره شهادت را متجلی ساخته است.

۱-۲. جایگاه شهید و شهادت در قرآن و احادیث

در دین اسلام جایگاه ویژه و منحصر به فردی برای شهید و شهادت لحاظ شده است. قرآن کریم در آیات ۱۶۹ تا ۱۷۴ سوره مبارکه آل عمران به توصیف جایگاه شهدا می‌پردازد:

«وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)؛ هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپنداز؛ بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. «فَرَحِينَ بِمَا آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيُسْتَبِّشُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يُلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ حَلْفِهِمْ أَلَا حَقُّهُمْ وَلَا هُمْ يُحْزَنُونَ» (۱۷۰)؛ به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است، شادمان‌اند و برای کسانی که از پی‌ایشان‌اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند، شادی می‌کنند که نه بیمی برایشان است و نه اندوه‌گین می‌شوند. «يُسْتَبِّشُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۷۱)؛ بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان راتبه نمی‌گرداند شادی می‌کنند. «الَّذِينَ اسْتَبَجَبُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقُرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَلَتَقُولُوا أَجْرُ عَظِيمٍ» (۱۷۲)؛ کسانی که پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند. برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند، پاداشی بزرگ است. «الَّذِينَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَأَخْشُوْهُمْ فَزَادُهُمْ إِيمَانًا وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ» (۱۷۳)؛ همان کسانی که برخی از مردم به ایشان گفتند: مردمان برای جنگ با شما گرد آمدند. پس از آن بترسید؛ ولی این سخن برای مانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ لَمْ يُمْسِكُهُمْ شُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» (۱۷۴)؛ پس با نعمت و بخششی از جانب خدا از میدان نبرد بازگشتند؛ درحالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخششی عظیم است.

اثبات اینکه برترین مرگ‌ها مرگ سرخ است، در آیه‌ها و روایت‌ها تجلی یافته

است؛ اما لطف و مسئولیتی که متوجه شهادت بوده، در دعاها و زیارت‌ها متجلی شده است. در احادیث مربوط به مرگ سرخ، از کشته شدن در راه خدا (شهادت) به عنوان برترین مرگ‌ها و شریف‌ترین آن‌ها یاد شده است. عبارت‌های زیادی در این زمینه بیان می‌کند که شریف‌ترین کشته شدن‌ها، کشته شدن بر طریق شهادت است. این قبیل عبارت‌ها که در احادیث فراوان به چشم می‌خورد، نشان از اهمیت و شرافت مرگ سرخ یا شهادت دارد.

امام حسین^(۴) در هنگام حرکت به سوی نینوا در ابیاتی می‌فرمایند:

«سَأَمْضِي وَمَا بِالْمَوْتِ عَارِّلٌ الْفَتَى
إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا
وَوَاسَى الرِّجَالَ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ
وَفَازَقَ مَثْبُورًا وَخَالَفَ مُجْرِمًا
إِنْ عِشْتُ لَمْ أَنْدِمْ وَإِنْ مِثْ لَمْ أَلْمِ
كَفَى بِكَ ذُلًّا أَنْ تَعِيشَ وَتُرْغَمَا

(مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

من به زودی از جان می‌گذرم و مرگ برای جوان مرد عیب و عار نیست؛ به شرط اینکه نیت و قصد او حق باشد و درحالی که مسلمان باشد، بجنگد و در راه مردان نیکوکار جانبازی کند و از شخص تبهکار کناره‌گیری کند و با شخص مجرم مخالفت نماید. اگر زنده بمانم، پشیمان نمی‌شوم و اگر شهید شوم مورد ملامت قرار نخواهم گرفت؛ ولی برای توهین کافی است که در حال ذلت زندگی کنی و بینی توبه خاک مالیده شود.

همچنین در صحیفه سجادیه آمده است:

«حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَادَاءِ مِنْ أُولِيَّهِ، وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشَّهَادَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيَ حَمِيدٍ»؛ حمدی که به توسط آن درین سعادتمندان از اولیای خدا سرفراز شویم و از برکت آن در صفت شهدا و کشته شدگان به اسلحه دشمنان پروردگار درآییم که او یاور مؤمنین و ستوده شده است.

۳. جایگاه شهید و شهادت در اشعار صائب تبریزی

درباره صائب تبریزی گفته شده:

«میرزا محمدعلی متخلص به صائب، سرشناس‌ترین غزل‌سرای قرن یازدهم هجری و یکی از بزرگترین شاعران ایران، در حدود سال ۱۰۰۰ هـ ق در تبریز زاده شد. پدر او، میرزا عبدالرحیم، از بازرگانان معتبر بود. شاه عباس پس از فتح تبریز به سال ۱۰۱۲ هـ، هزار خانوار را از آن شهر به اصفهان کوچاند و در محله عباس‌آباد سکنی داد. خانواده صائب نیز جزو این گروه بود. شاعر در جوانی به حج رفت و در سال ۱۰۳۴ راهی هند شد. چند سال با ظفرخان متخلص به "احسن" در کابل به سربرد و از این امیر ایرانی تبار، محبت بسیار دید. همراه او به آگره و لاہور و برهانپور و بالآخره کشمیر سفر کرد. صائب در سال ۱۰۴۲ به همراه پدر پیر خود که برای دیدار او به هند آمده بود، به وطن بازگشت و مقیم اصفهان شد. شاه عباس دوم وی را لقب ملک‌الشعرایی بخشید. این شاعر توانا بیش از هشتاد سال زیست و در واپسین روزهای سال ۱۰۸۶ یا نخستین روزهای سال بعد، در اصفهان دیده از جهان پوشید» (قهرمان، ۵۸۳: ۱۳۷۸).

صائب تبریزی یکی از نام‌آشناترین شاعران تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌رود و او را از شاخص‌ترین شعرای سبک هندی می‌دانند. «در حقیقت، سبک هندی دارای دو شاخه ایرانی و هندی است. اگر بخواهیم نمایندگان دو شاخه را برگزینیم، صائب نماینده تمام عیار شاخه ایرانی و بیدل نماینده تمام عیار شاخه هندی است» (شفیعی کدکنی، ۳۵: ۱۳۷۸).

صائب تبریزی چه در مولد و چه در موطن، یعنی تبریز و اصفهان، در جامعه‌ای شیعی زاده شده و زیسته و شیعه‌گری و اظهار آن در اشعار او کاملاً آشکار، محسوس و انکارناشدنی است. او شیعه دوازده امامی و مردی دیندار و مواطن فرایض و واجبات و معتقد به اصول و مبانی بوده است و قصائدی در مدح ائمه^(۴) و ایاتی که حاکی از دینداری و مواطنیت او در اعمال شرعی است، در آثارش دیده می‌شود. ایاتی نیز نشان از توجه و علاقه او به زیارت بقاع متبرکه اهل بیت^(۴) دارد. شرایط سیاسی، فرهنگی و مذهبی زمان زیست صائب و اقتدار حکومت صفویان که مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور برگزید و برخی فشارها را از روی شیعیان برداشت نیز می‌تواند از جمله موارد اجتماعی، سیاسی و فرامتنی در جسارت طبع و کلام صائب در ابراز آزادانه عقایدش مؤثر باشد. ابراز محبت و علاقه به خاندان اهل بیت^(۴)، به ویژه امام حسین^(۴) و امیرالمؤمنین علی^(۴) در اشعار و آثار شاعران غیرشیعه نیز کم یا زیاد دیده می‌شود؛ اما می‌توان مفاهیم و مضامین استفاده شده در مدایح و مراثی صائب تبریزی برای اهل بیت^(۴) را در بسیاری موارد، منطبق بر عقاید خاص تشیع به شمار آورد.

اندیشه شیعی صائب در بازنمایی مفاهیمی نظری شهید و شهادت نیز اثربار بوده است و می‌توان در این مورد به مصادیقی اشاره کرد که با مأثورات گوناگون شیعی، نظری زیارت نامه‌ها، ادعیه، مناجات‌ها، احادیث و روایات مرتبط هستند. در ادامه به برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۳. شهادت اهل بیت^(۴)

در زیارت امام حسین^(۴) در روز اربعین آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ، الْفَائِرُ بِكَارَمِتِكَ، أَكُرْمَتُهُ بِالشَّهَادَةِ»؛ خدایا من گواهی می‌دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو و

برگزیده تو و فرزند برگزیده توست. حسینی که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِياءِ، أَشَهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا، وَمَضَيْتَ حَمِيدًا، وَمُتَّ فَقِيدًا، مَظْلُومًا شَهِيدًا»؛ سلام بر توای فرزند رسول خدا، سلام بر توای فرزند سرور جانشینان، شهادت می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی، خوشبخت زیستی و ستوده درگذشتی و از دنیا رفتی گم‌گشته و مظلوم و شهید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۱؛ ۳۳۱).

در فرازهایی از این زیارت‌نامه، از امام حسین^(ع) با عنوان شهید یاد شده و کرامت او به واسطه شهادتش معنا پذیرفته است. شهادتی که سیدالشهدا^(ع) را کرامت بخشیده، مرتبه‌ای والاست که دستیابی به آن برای هر کسی میسر نیست؛ همچنین امام سجاد^(ع) در پاسخ به یزید که آن امام را به قتل تهدید می‌کند، می‌فرماید: «أَلْقَتْنَا عَادَةً وَ كَرَمَتْنَا الشَّهَادَةً»؛ کشته شدن عادت ما و شهادت کرامت ماست (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

صائب تبریزی در قصیده‌ای که به مدح و منقبت حضرت امام حسین^(ع) اختصاص دارد، آورده است:

درخور ظرف است اینجا هر دهان رالقمه‌ای

ضربت تیغ شهادت طعمه شیر خداست

نیست هر نخجیر لاغر لایق فتراک عشق

آل تمغای شهادت خاصه آل عباست

کی دلش سوزد به حال دردمدان دگر

دهر کز لب‌تشنگان او شهید کربلاست

(صائب تبریزی، ۱۳۹۲: ۲؛ ۱۳۷۵)

صائب، شهادت را در شأن و جایگاهی متناسب با امیرالمؤمنین^(ع) و خاندان

پیامبر^(ص) و مهر سرخ شهادت را خاصه ایشان می داند و این مقام را فراتراز آن می بیند که به هر کسی اطلاق گردد و هر دستی به آن برسد. این ایيات و اطلاق واره شهید به خاندان پیامبر^(ص)، به ویژه امام حسین^(ع) در ارتباط با بیاناتی نظیر کلام حضرت سجاد^(ع) است که شهادت را کرامت اهل بیت^(ع) می داند. همچنین صائب، در ادامه از امام حسین^(ع) با عنوان آشنای «شهید کربلا» یاد می کند؛ هرچند در ابیاتی از شاعران دیگر نیز از این عبارت استفاده شده است؛ نظیر این بیت از سعدی شیرازی:

یارب به نسل طاهر اولاد فاطمه

یارب به خون پاک شهیدان کربلا

(سعدی، ۱۳۹۰: ۸۴۷)

اما استفاده صائب از عنوان شهید پس از مقدمه ای که در ترسیم جایگاه شهادت و تعظیم آن با مختص دانستن این مرگ شکوهمند برای خاندان اهل بیت^(ع) آمده است، رنگ و بوی جدیدی به خود می گیرد و آن را از سایر اشعار و عبارات مشابه تمایز می کند. به بیانی دیگر، شهادتی که او به سیدالشہدا و اهل بیت^(ع) نسبت می دهد، قابل اطلاق به غیر معصوم نیست. صائب در ادامه این قصیده حتی به گوشه هایی از کیفیت شهادت امام حسین^(ع) نیز اشاره دارد و مصائب آن حضرت را بیان می کند.

تکیه گاهش بود از دوش رسول هاشمی

آن سری کز تیغ بیداد یزید از تن جداست

آن که بود آرامگاهش از کنار مصطفی

پیکر سیمین او افتاده زیر دست و پاست

چرخ از انجم در عزایش دامن پراشک شد

تابه دامان جزاً گرا بر خون گردید رواست

(صائب، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۷۵)

در این ایيات، صائب تبریزی شهادت امام حسین^(ع) را ناشی از ستم بیدادگران بیان می‌کند و آنچه بر امام^(ع) روا داشته شده را در تضادی آشکار با جایگاه و شأن او می‌داند. ترسیم چهره ظالم در مقابل شهادت مظلوم، از جمله نکات جالب توجه این ایيات به شمار می‌رود. صائب شهادت امام حسین^(ع) را معلول بیدادگری یزید می‌داند. تقابل خیر مطلق می‌رود. صائب شهادت امام حسین^(ع) را معلول بیدادگری یزید می‌داند. تقابل خیر مطلق یعنی سید الشهداء^(ع) و شر مطلق یعنی یزید در ایيات فوق آشکار است.

«قابل یا تضاد یکی از ارکان مهم زندگی و معرفت بشری در حوزه‌های گوناگون همانند دین، اخلاق و فلسفه است. معروف است که انسان هر چیزی را به ضد آن می‌شناسد. در فلسفه تضاد نسبت میان دو امر وجودی است که میان آن دو باید خلاف و بعد باشد؛ به نحوی که اجتماع‌شنan در محل واحد ممکن نباشد. مانند سیاهی و سفیدی» (سجادی، ۱۳۳۸: ۸۶). «اندیشیدن به روش دوقطبی یا دوبخشی یکی از کارکردهای اساسی ذهن آدمی است. انسان برای فهمیدن چیزها و فهماندن مقصود خویش، مفاهیم مثبت و منفی را از یکدیگر متمایز می‌کند و براساس روابطی که میان آن‌ها برقرار است، رفتار خود را بنیان می‌دهد» (خدیش و داوید مقدم، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

در شعر صائب، گاهی شهید کشته جدال خیر و شر است و نقشی بسیار پرنگ در این تضاد ایفا می‌کند. هرچند می‌توان شهید را از منظری همان خیر دانست. خیری که در یک پایان تراژیک در نبردی ظاهری کشته می‌شود؛ اما در نبرد باطنی خیر و شر، خیر پیروز است.

صائب از بیدادگردون ستمگر دست داشت

نیست از خون شهیدان سیری آن بی باک را
 (صائب، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۱۳)

صائب در این بیت، شهید را کشته دست بیدادگر روزگار می‌داند؛ ستمی که

پایان ناپذیر نیز است. تقابل شهید با رذایلی مانند ستمگری و بیداد، از جمله موارد کانونی صائب تبریزی به شمار می‌رود. کشته شدن به دست بیدادگر همان مقوله‌ای است که او درباره شهادت سیدالشهدا^(۱) به دست یزید بیدادگر نیز بیان کرده است. او در قصیده‌ای دیگر که به مدح امام رضا^(۲) اختصاص دارد نیز اجمالاً به شیوه شهادت آن امام اشاره می‌کند:

زهر در انگور تا دادند او را دشمنان
ماند چشم تاک تاروز قیامت اشک بار
تاک را چون مار هر جا سبز شد سر می‌زنند
تا شد از انگور کام شکرینش زهربار

(همان، ج ۲: ۱۳۶۸)

همچنین در غزلی آورده است:

زلاله زار شهادت گلی بچین صائب
به بوی خون مشو از خاک کربلا قانع

(همان: ۱۰۴۳)

صائب نه تنها شهادت را از ثمرات خاک کربلامی داند، بلکه دستیابی به آن مقام رفیع را از خویشتن نیز مطالبه‌گر است.

۲-۳. میل به شهادت

امام علی^(۳) فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْمَوْتَ لَا يُفُوتُهُ الْمُقِيمُ وَلَا يَعِزُّهُ الْهَارِبُ، لِيَسْ عَنِ الْمَوْتِ مَحِيدٌ وَلَا مَحِيصٌ، مَنْ لَمْ يَقْتَلْ مَاتَ، إِنَّ أَفْضَلَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَالَّذِي نَفْسُ عَلَى بِيَدِهِ لَأَلْفُ

ضَرِبَةٌ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ مِنْ مَوْتٍ وَاجِدَةٌ عَلَى الْفِرَاشِ؛ ای مردم، مرگ همه را فرامی‌گیرد؛ چه آنکه در حضر (اقامت) است و چه آنکه در سفر است. پس هیچ‌کس نمی‌تواند از مرگ بگریزد و بر آن فائق شود و هر کس به مرگ طبیعی نمیرد، کشته خواهد شد و به درستی که برترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست. سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هزار ضربه شمشیر مرا خوش‌تر و راحت‌تر از مردن در بستر است (عاملی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۸).

شهادت در میدان نبرد و به تیغه شمشیر در نظر امیر المؤمنین علی^(۴)، از هر مرگی خوش‌تر است و برترین مرگ‌ها به شمار می‌رود و مرگ در بستر، مرگی دور از آمان است. اندیشه‌ای که صائب تبریزی نیز آن را در اشعارش به تصویر می‌کشد:

ننگ عشق بود در سر بستر مردن

صائب! آلوهه از این ننگ نمی‌باید شد

(صائب، ۱۳۹۲، ج ۲: ۶۸۹)

هست اگر آسایشی، در زیر تیغ و خنجر است

دیده حیران قربانی، براین معنی گواست

(همان: ۱۳۷۳)

وی در بیتی دیگر نیز همین معنا را یادآور است:

بستر از خون بالش از شمشیر مردان کرده‌اند

چون زنان پیر تا کی تکیه بر بستر زنیم

(همان: ۱۱۲۸)

به کار بردن واژگانی نظیر بستر و مفهومی مانند مرگ در بستر، برای به تصویر

کشیدن مرگ ذلیلانه در مقابل شهادت که مرگی سلحشورانه و خونین است، از جمله وجهه اشتراک در بیان امیرالمؤمنین علی^(۴) و به تبعیت آن، شعر صائب تبریزی به شمار می‌رود. همچنین از علی^(۴) نقل شده است:

فَإِنْ أَقْلَى يُقْلُوا حَرَصَ عَلَى الْمُلْكِ وَإِنْ أَسْكَثْ يُقْلُوا جَنَعَ مِنَ الْمَوْتِ. هَيَّاهَاتٌ! بَعْدَ اللَّتَّيَا وَاللَّتَّيِ، وَاللَّهِ لَابْنُ ابِي طَالِبٍ أَنَّسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الظِّفَلِ بَيْذَنِي أُمِّهِ؛ در شرایطی قرار دارم که اگر سخن بگوییم، می‌گویند بر حکومت حریص است و اگر خاموش باشم، می‌گویند: از مرگ می‌ترسید. هرگز، من و ترس از مرگ! پس از آن همه جنگ‌ها و حوادث ناگوار. سوگند به خدا، انس و علاقه فرزند ابی طالب به مرگ در راه خدا، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است (رضی، ۱۳۸۷: ۳۲).

و فرمودند:

«وَاللَّهِ لَوْلَا رَجَائِي الشَّهَادَةِ عِنْدَ لِقَاءِ الْعَدُوِّ وَلَوْقَدْ حُمِّلَ إِلَيْقَاؤُهُ، لَقَرَبَتْ رِكَابِيْ ثُمَّ شَخَصَتْ عَنْكُمْ فَلَا أَطْلُبُكُمْ»؛ به خدا، اگر امید شهادتم هنگام دیدار دشمن نبود و ای کاش برایم مقدّر بود، پای در رکاب می‌نهادم و از جمع شما بیرون می‌افتدام و شما را نمی‌طلبیم» (رضی، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

انس و پیوند با شهادت، در کلام امیرالمؤمنین علی^(۴) نقشی محوری دارد و امام، امید رسیدن به آن را تنها دلیل دوری نجستن از جمع یاران بی‌وفا بیان می‌کند. از سویی دیگر، صائب تبریزی دوری از این نوع مرگ را مایه حسرت و داغ می‌داند:

از دل پرخون که قربان شهادت می‌رود

لاله داغی به تابوت شهیدان بسته‌ایم

(صائب، ۱۳۹۲: ۲، ۱۰۹۱)

تمایل به شهادت و حسرت نرسیدن به آن در کلام صائب هویداست. او آنچنان مجذوب شهادت است که دل پرخونش را قربانی آن می‌کند. صائب تبریزی خود را آکنده از حسرت می‌داند؛ حسرتی که با هر بار زیارت شهیدی، خون دل می‌شود و او را داغدار می‌کند.

زدرویی نتوان در صف محشر بدن

خون من بر سر جوش است شهیدان مددی

(همان: ۱۳۴۸)

استمداد از شهیدان گواه این است که صائب علاوه بر اعتقاد به حیات جاویدان آنان، به گشوده‌دستی و میسربودن گره‌گشایی برایشان نیز باور دارد. آن هم نه تنها برای حوائج مادی و دنیوی، بلکه این استمداد، در طریق شهادت و گریز از زدرویی با خون معنا یافته است. مرگ در بستر، ننگ عاشقان بوده و این مفهومی است برخاسته از تفکر سرخ شهادت. صائب نیز دوربودن از این ننگ را برای خودش خواستار است.

۳-۳. زندگی جاوید شهید

امام علی^(۴) فرمودند:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي أَشْرَفَ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِكَ أَنْصُرْكَ وَ أَنْصُرْ رَسُولَكَ أَشْتَرِي الْحَيَاةَ الْبَاقِيَةَ بِالْدُّنْيَا»؛ خدا یا برترین شهادت‌ها را به من عطا کن تا بتوانم با خون خود دین تو و پیامبر تو را یاری دهم و با شهادت خود حیات جاودانه را به دست آورم (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۱۲۴).

امام^(۴) راه دست یافتن به حیات جاودانه را شهادت در راه یاری خدا و پیامبر شد می‌داند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، قرآن کریم نیز شهدا را زنده و متنعم به نعمت پوردگارشان معرفی می‌کند. باور به زندگی جاوید شهدا و «عند ربهم یرزقون»

بودن آنان نیز جایگاهی ویژه در اشعار صائب تبریزی دارد. چنان‌که در برخی موارد استفاده از واژگان شهید و شهادت و مفاهیم آن‌ها، شهید انسانی دارای حیات کامل و از هر نظر و به هر معنا زنده انگاشته شده است. البته چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، پرداختن به این ویژگی شهید، در آثار بسیاری از شاعران تاریخ ادبیات فارسی تبلور داشته است و محدود به چند شاعر یا عصر تاریخی خاصی نیست؛ اما صائب نیز از این قاعده مستثنان نیست و ایاتی درباره این مفهوم دارد:

در ره دین هر که جان خویش را سازد فدا

در گلوی تشنۀ او آب تیغ آب بقاست

(صائب، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۷۴)

صائب بقا را در گرو شهادت می‌داند. آن هم شهادتی از جنس فداشدن در راه دین. در اندیشهٔ صائب آن کس که در طریق دین جانش را فدا می‌سازد، باقی خواهد بود. اندیشه‌ای منطبق با آیات و روایاتی که شهید را «حی» معرفی می‌کند و او را از «موت» دور می‌بیند.

از جوش نشاطی که زند خاک شهیدان

تا حشر محال است لب گور شود خشک

(همان: ۱۰۶۳)

جوشش همیشگی خون شهید، منظری دیگر از زندگانی جاوید اوست. صائب جوشیدن خون شهدا را همراه با نشاط بیان می‌کند و این احوال را متصل به ابدیت می‌داند. نگرش او به واژگان شهید و شهادت و مفاهیم برخاسته از آن‌ها در رویکرد جاری، در نمونه‌های ذکر شده منحصر نمی‌شود و می‌توان به مصادیق دیگری نیز اشاره کرد:

صائب ز شکر تیغ شهادت مبند لب

کاین عمر پنج روزه از او مستدام شد

(همان: ۶۷۷)

دیدهٔ تنپروران آب سیاه آورده است

ورنه شمشیر شهادت موجه آب بقاست

(همان، ج ۱: ۵۴۳)

تیغ جانبخش تو سرو جویبار زندگی است

زندۀ جاوید گردد هرکه شد قربان تو

(همان، ج ۲: ۱۱۱۴)

زنده‌انگاشتن شهید، ریشه‌های دینی بسیار مستحکمی را نیز داراست؛ اما می‌توان گفت شهادت، پاسخی به نیاز انسان به جاودانگی-کهن‌الگوی مشترک میان تمام انسان‌ها- در گفتمان دینی بوده که در آینهٔ ادبیات نیز متجلی شده است. نیازی که برخاسته از میل انسان به تکامل و بیزاری ذاتی او از نابودی است. تعالی طلبی و در جست‌وجوی کمال بودن- منظور از کمال مطلوب هر چیز به بهترین شکل ممکن آن است- که نیازهای اولیه آدمی است؛ نیازی که بخشی از آن در ناخودآگاه انسان شکل می‌گیرد و بخشی از آن سرچشمه در آگاهی شناخت فرهنگ و محیط دارد (خدیش و داودی مقدم، ۱۳۹۹: ۲۶).

۴. نتیجه‌گیری

ترویج مذهب تشیع و رسمیت آن در کشور، موجب گسترش فرهنگ شیعی در ساحت‌های گوناگون شد. شعر و ادب نیز از جمله مواردی است که تأثیر انکارناپذیری را از باورهای شیعی پذیرفته است. آثار صائب تبریزی شاعر برجسته شیعه گواه این مدعاست. از جمله مفاهیمی که می‌تواند جلوه‌گر باورهای شیعی در آثار صائب باشد، مفهوم شهادت است. او در مواردی شهادت را از مناظری می‌نگرد که پیش از او در منابع شیعه، نظیر روایات، احادیث، ادعیه و زیارت‌نامه‌ها توسط معصومین^(۴) بیان شده بود. شهادت اهل‌بیت^(۴) به ویژه امام حسین^(۴)، از جمله مواردی است که جایگاه ویژه‌ای در اشعار صائب دارد. او شهادت را مختص اهل‌بیت^(۴) می‌داند و در اشعاری، حتی کیفیت شهادت ایشان را نیز بیان می‌کند. در مأثورات شیعی نیز رابطه‌ای مستحکم بین معصومین^(۴) و شهادت برقرار است. تا آنجا که گاه در زیارت‌نامه‌ها به شهادت ایشان گواهی داده می‌شود. میل به شهادت و در دل پروراندن آرزوی آن نیز از دیگر محورهای اشعار صائب در حوزه شهید و شهادت است. اشتیاق به شهادت در کلام معصومین^(۴) جایگاه جالب توجهی دارد و حسرت دوری از آن نیز در بسیاری از مأثورات آشکار است. می‌توان زنده‌انگاشتن شهید را از مهم‌ترین مفاهیم شیعی در ارتباط با مقوله شهادت دانست. مفهومی که در شعر صائب بسیار مرکز توجه است و عمر جاویدان و سعادت ابدی را در گرو شهادت می‌بیند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین (۱۳۹۰). لهوف. ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم: نبوغ.
۳. ————— (۱۴۱۴ق). مهج الدعوات و منهج العبادات. بیروت: مؤسسه الاعلى للمطبوعات.
۴. جعفری، فاطمه (۱۳۹۰). مقام شهید و آثار شهادت از منظر قرآن و روایات. قم: همایش ملی فرهنگ ایشاره و شهادت.
۵. خدیش، پگاه و فریده داودی مقدم (۱۳۹۹). الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی، تهران: دانشگاه پیام نور.
۶. رضی، سید شریف (۱۳۸۷). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، تهران: دارالفکر.
۷. سجادی، سید جعفر (۱۳۳۸). فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی. تهران: سعدی.
۸. سعدی شیرازی (۱۳۹۰). کلیات سعدی. تهران: الهمام.
۹. شریعتی، علی (۱۳۵۰). شهادت. تهران: حسینیه ارشاد.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸). ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما. تهران: نی.
۱۱. صائب تبریزی (۱۳۹۲). دیوان صائب تبریزی. ج ۱ و ۲. تهران: نگاه.
۱۲. طاووسی، حسن و فاطمه عین‌الکمالی (۱۳۹۵). شهید و شهادت از منظر قرآن. علی‌آباد: اولین کنفرانس ملی از ایشاره‌تا شهادت.

۱۳. عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). *وسائل الشیعه*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۱۴. قهرمان، محمد (۱۳۷۸). *صیادان معنی*. تهران: امیرکبیر.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۹). *محن الابرار*. ترجمة حسن هشتودی تبریزی، تهران: آرام دل.
۱۶. ——— (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامع الدرر الاخبار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۷. موسوی شجاعی، آمنه (۱۳۹۰). *مفهوم شهادت از دیدگاه امام علی^(۴) در نهج البلاغه*. قم: همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت.